

درس ششم

بانوی قهرمان



اما عمّه همچنان سخنرانی می‌کند:  
«زیاد خوش حال نباش! وقتی پیش خدا حاضر شوی، آرزو می‌کنی که  
ای کاش، این روز را نمی‌دیدی.»  
یزید فقط نگاه می‌کند و مثل مرده‌ها بی‌حرکت مانده است.

\*\*\*

همه با ترس و وحشت به یکدیگر نگاه می‌کنند. دیگر کسی به ما نگاه  
نمی‌کند و نمی‌خندد.  
سرم را بلند می‌کنم. به عمّه نگاه می‌کنم.  
انگار که دیگر اسیر نیستم.

### بدانیم

خداوند به امام علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها،  
دختری هدیه داد. رسول خدا خیلی خوش‌حال شد و نام او را  
«زینب» گذاشت. زینب سلام‌الله‌علیها از کودکی در کنار امام حسن  
و امام حسین بزرگ شد و دستورات دینی را از پدر و مادر خود  
یاد گرفت. او زنی دانشمند و اهل عبادت بود و به زنان شهر کوفه  
قرآن آموزش می‌داد. وقتی امام حسین علیه‌السلام به همراه  
خانواده‌ی خود به سوی کربلا حرکت کرد، زینب نیز در کنار برادر  
بود. او در کربلا و حادثه‌های بعد از آن، سختی‌های زیادی را تحمل  
کرد و به همین دلیل، ایشان به صبر و شجاعت و فداکاری معروف  
شده است.

روز تولّد این بانوی بزرگ را «روز پرستار» نامیده‌اند. می‌دانید چرا؟

چون حضرت زینب (س) بعد از واقعه‌ی کربلا از تمام مجروحین پرستاری کردند و از زنان و کودکان که  
ترسیده و نگران بودند هم مراقبت کردند.

## دوست دارم

من هم در زندگی مانند حضرت زینب سلام الله علیها، ...  
در برابر دشمن ایستادگی می کنم و در برابر سختی ها مقاوم و صبور  
هستم و به بچه هایی که یتیم و دردکشیده هستند توجه و محبت می کنم.

## کامل کنید

یزید و اطرافیانش چقدر در اشتباه بودند که .....  
فکر می کردند با کشتن امام حسین (ع) و یارانشان مردم خاندان پیامبر  
(ص) را فراموش می کنند و اسلام واقعی از بین می رود.

## گفت و گو کنیم

کدام بخش های داستان «بانوی قهرمان» به این ویژگی های حضرت  
زینب سلام الله علیها اشاره می کند؟  
شجاعت: امروز در برابر دشمنان عمه سرش را بلند کرده و محکم قدم برمی دارد.  
فداکاری: بعد از شهادت بابا دیگر ندیدم، عمه راحت خوابیده باشد.

عبادت

فداکاری

شجاعت

عبادت: ایشان در گوشه ای به دعا و راز و نیاز با خدا مشغول شد.

وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ  
 صبور باشید، که خدا با صابران است.

سوره انفال، آیه ۴۶

حضرت زینب سلام الله علیها به پیام این آیه عمل کرده است. می‌توانی بگویی چگونه؟ ایشان در برابر ستم‌های یزید صبوری می‌کرد. بعد از شهادت برادرش هم صبوری کرد و در مقابل توهین‌ها و مسخره‌کردن‌های طرفداران یزید هم پ

صبوری می‌کرد.

بگرد و پیدا کن

نام اعضای خانواده‌ی حضرت زینب سلام الله علیها را در گلبرگ‌ها بنویس.

مادر حضرت فاطمه (س)

پدر امام علی (ع)

پدر بزرگ حضرت محمد (ص)

مادر بزرگ حضرت خدیجه (س)

برادران امام حسن (ع) امام حسین (ع)

پسر برادر امام سجاد (ع) امام زین العابدین (ع)

## با خانواده

با استفاده از این کلمات، متن زیر را کامل کنید.

اسلام دفاع فرزندان امام حسین علیه السلام دشمنان فداکاری

ما حضرت زینب سلام الله علیها را خیلی دوست داریم؛ زیرا  
او در راه دفاع از اسلام، جان خود را به خطر انداخت و دشمنان را روسیاه  
کرد. او از فرزندان امام حسین (ع) با جان و دل مراقبت کرد و با فداکاری  
و از خودگذشتگی از بیماران و زخمی ها پرستاری کرد.

درس هفتم

بوی بهشت



گفت: «اویس هستم، شتریانی از یمن».  
اویس به یاد قولی افتاد که به مادرش داده بود. بیشتر از نصف روز  
نمی‌توانست در مدینه بماند، اگر چه رسول خدا را ندیده بود. برای همین  
در حالی که حسرت دیدار پیامبر را به دل داشت، با ناراحتی به یمن بازگشت.

\*\*\*

عصر آن روز، وقتی پیامبر به خانه آمد، فرمود: «بوی بهشت را احساس  
می‌کنم. چه کسی به اینجا آمده است؟»  
خدمتگزار گفت: «شتریانی به نام اویس، از یمن».  
پیامبر خدا فرمود: «خداوند به سبب احترام اویس به مادرش، او را خیلی  
دوست دارد».



اویس آن قدر به مادرش احترام می‌گذاشت که...  
به خاطر قولی که به مادرش داده بود حتی از دیدار پیامبر (ص) هم صرف نظر کرد.



اگر من به جای اویس بودم، چه می‌کردم؟ من هم به قولی که به مادرم دادم عمل می‌کردم.

## دوست دارم

وقتی به پدر و مادرم قول می‌دهم به آن عمل کنم و آنها را خوشحال کنم...

## پیندیشیم

وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

با پدر و مادر خود به خوبی سخن بگو.

سوره‌ی اسرا، آیه‌ی ۲۳

این عبارت قرآنی را بخوانید. چگونه می‌توانیم به این آیه عمل کنیم؟  
احترام گذاشتن به پدر و مادر و رسیدگی به آنها. کمک کردن به پدر و مادر در کارها و ...

## بین و بگو

من هم می‌خواهم به پدر و مادر خود نیکی کنم. برای این کار می‌توانم ...

با آنها با احترام برخورد کنم. در خرید خانه به مادر کمک کنم. با درس خواندن آنها را خوشحال کنم. وقتی مادر خسته است برایش چای یا شربت بیاورم وقتی پدر هستم از سر کار برمی‌گردم به او خسته نباشید بگویم و....





## کامل کنید

حرف اوّل پاسخ‌های زیر را به هم بچسبان و جمله را کامل کن. سپس درباره‌ی آن با دوستان خود گفت‌وگو کن.

- ۱- خواندن نماز در آنجا و به صورت جماعت پاداش زیادی دارد: **مسجد**.....
- ۲- زندگی همه‌ی موجودات زنده به آن بستگی دارد: **آب**.....
- ۳- در قنوت نماز می‌خوانیم: **دعا**.....
- ۴- در ماه رمضان می‌گیریم: **روزه**.....
- ۵- پیامبری که آتش برایش گلستان شد: **ابراهیم**.....
- ۶- ستون دین است که هر روز پنج بار می‌خوانیم: **نماز**.....

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«بهشت، زیر پای **مادران** است.»

### گفتم چشم

پدرم گفت برو گفتم چشم  
هرچه گفتند به من با لبخند  
مادرم شاد شد از رفتارم  
با پدر مادر خود در هر حال  
پدرم گفت تو خوبی پسر  
آسمان خنده به رویم زد و گفت  
مادرم گفت بیا گفتم چشم  
گوش کردم همه را گفتم چشم  
خنده بر روی پدر آوردم  
تا توانستم خوبی کردم  
مادرم گفت از او بهتر نیست  
پسر، از تو خدا هم راضی است

مصطفی رحماندوست

### با خانواده

یکی از پیام‌های قرآنی درباره‌ی پدر  
و مادر را که در سال‌های گذشته  
یاد گرفتید، بنویسید و در کلاس  
برای دوستانتان بخوانید.  
**وَالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا** به پدر و مادر خود نیکی کنید.

درس هشتم

# جشن تکلیف



همه از شنیدن نامه‌ی محدّثه لذّت می‌برند و او را تشویق می‌کنند. خانم مرّی نیز از محدّثه تشکّر می‌کند و می‌گوید: «آفرین به محدّثه که این نامه را از زبان فرشتگان به زیبایی خواند». صدای اذان از بلندگوی مدرسه بلند می‌شود. بچه‌ها سجّاده‌ها را پهن می‌کنند و در کنار خانم مرّی و دوستانشان در صف نماز می‌نشینند. امام جماعت جلو می‌ایستد و نماز جماعت آغاز می‌شود.

الله اکبر...

\*\*\*

عصر آن روز، محدّثه با اشتیاق ماجرای جشن را برای خانواده‌اش تعریف کرد.

حسین برادر محدّثه که امسال هشت ساله شده است، پرسید: «پس کی برای من جشن تکلیف می‌گیرید؟»

پدر خندید و گفت: «شما چند سال دیگر به سنّ تکلیف می‌رسی، ولی خوب است از همین حالا نمازهایت را به اندازه‌ای که می‌توانی بخوانی، تا وقتی به سنّ تکلیف رسیدی، انجام آن‌ها برایت سخت نباشد». هنگام اذان، حسین و محدّثه با خوش‌حالی بلند شدند و وضو گرفتند. آن‌ها دوست داشتند تا به همراه پدر و مادر خود در نماز جماعت مسجد شرکت کنند.

فکر می‌کنم

عبادت یعنی انجام کارهای خوب و شایسته‌ای که خداوند به ما دستور داده است؛ مانند اینکه....

۳- به دیگران احترام بگذارم

۱- همیشه راستگو باشم.

۴- اسراف نکنم.....

۲- پاکیزه باشم.....

## دوست دارم

● از این پس در رفتار و گفتارم بیشتر دقت کنم؛ چون... .

● حتی اگر به سنّ تکلیف نرسیده‌ام، به احکام دینی عمل کنم تا ... .

خدا از من راضی باشد همین طور

هم پدر و مادرم

## بیندیشیم

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ

خوشا به حال کسانی که ایمان دارند و کارهای خوب و شایسته انجام می‌دهند.

سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۹

با توجه به این تصویر، درباره‌ی معنای آیه با دوستانتان گفت‌وگو کنید.

این آیه چه ارتباطی با موضوع درس دارد؟

سنّ تکلیف می‌رسیم کارهای خوب و شایسته‌ای مثل نماز خواندن بر ما واجب می‌شود. خداوند

وقتی

که ایمان دارند و کارهای شایسته انجام می‌دهند دوست دارد.

کسا



## کامل کنید

وقتی به سنّ تکلیف می‌رسیم، خدا برای کارهای ما دستوراتی مشخص کرده است. نام این دستورها را در شکل‌ها پیدا کن.



کارهایی که نباید انجام دهیم:

حرام



کارهایی که حتماً باید انجام دهیم:

واجب

حالا برای هر یک از این دو کار، دو نمونه مثال بزنید.

غیبت کردن | دروغ گفتن

نماز خواندن | روزه گرفتن

## بگرد و پیدا کن

در هر مورد به چه کسی مراجعه می‌کنیم؟

پزشک

وقتی سوالات دینی داریم.

مهندس

وقتی مریض می‌شویم.

مرجع تقلید

وقتی می‌خواهیم خانه بسازیم.

۱- عالم دینی که دستورات دین را به ما می‌آموزد.